

بواسطه جناب امین علیه بهاء الله الأبھی

یزد

جناب سروش بهرام جیوه خرمشاهی علیه بهاء الله الأبھی

هوالله

ای بنده آستان ایزد دانا آنچه مرقوم نمودی ملحوظ گردید هر چه نگاشتی مفهوم شد شکر کن خدا را که مژده‌های خوشی داشت یاران پارسی معروف بخداپرستی و مشهور براستی و درستی هستند دلی پرتو دانائی خرم و دیده‌ئی بدیدار دلبر آسمانی روشن دارند و جانی بمژده رسانی در نهایت سرور و شادمانی خوشا بحال شما که در چنین قرنی از پرده‌های تاریک رهایی یافتید و چشم را بمشاهده راز و نیاز روشن و منیر و دل را پیرستش دلبر بی‌انباذ بهشت برین نمودید باخوی بمان بهرام و قرینه شیرین مهربان و اخوی رستم بهرام و همسر پریزاد اردشیر و فرزندان و کنیز خدا مروراید بهرام از قبل من نهایت محبت و مهربانی ابلاغ دار در حق ایشان دعا نمایم و از الطاف جمال مبارک بهره و نصیب طلبم و از بخشش ایزد دانا امید است که مروراید براق و درخشنده گردد و به مهتر هرمزدار خدابخش و قرین محترمه‌اش و فرزندان نهایت مهربانی ابلاغ دار و به حاجی علی حسین‌آبادی نهایت اشتیاق برسان

سؤال از کلمه مبارکه قد ظهر سر التکیس نموده بود این عبارت از عبارات شیخ احمد مرحوم است در تفصیل این رساله‌ئی مرقوم شده و هنوز سواد نگردیده انشاءالله سواد میشود و انتشار مییابد

اما مراد از آن عبارت فقره کلمات مکنونه یعنی صبح صادق روشن فجر ظهور است که حضرت اعلی تجلی فرمودند و مراد از شجره مبارکه جمال قدم است و مراد از آن فضا فضای دل و جانست و حضور خلق عبارت از حضور روحانی است نه حضور جسمانی و ندای الهی در فضای دل و جان بلند شد و چون خلق هشیار نشدند لذا مدهوش گشتند باحبابی حسین‌آباد و یاران علی‌آباد و دوستان شرف‌آباد و اصفیای مهدی‌آباد و نجبای مهرآباد علی‌الخصوص آقا سید علی اکبر و آقا حسین احمد از قبل من بکمال اشتیاق نهایت محبت و مهربانی ابلاغ دارید اشعار آبدار بود و معانی بدایع اسرار بکرات و مرات قرائت گردید و از فضل حضرت مقصود جائزه استدعا شد و آن پرتو تجلی اوست که کنز اعظم است و عنایت جلیل اکبر و علیک البهاء الأبھی

۲۴ ربیع اول ۱۳۳۸

حیفا

عبدالبهاء عباس